

گزارش

سیدحسین حسینی |حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنانی راهبردی با هشداری به تمامی جناح‌های سیاسی و گروه‌های مختلف، بر لزوم حفظ اتحاد ملی و تقویت همبستگی در برابر توطئه‌های دشمنان تأکید کردند.در همین راستا، روزنامه قدس در گزارشی تحلیلی به بررسی ابعاد این سخنان، پیام‌های کلیدی آن و واکاوی دلایل شکست‌های پی‌درپی دشمنان در مواجهه با انقلاب اسلامی پرداخته است.

■ اتحاد ملی و حمایت از دولت؛ کلید عبور از چالش‌ها

مسعود رضایی، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با روزنامه قدس با اشاره به اهمیت اتحاد و همبستگی مردم ایران طی ۴۵ سال گذشته، تأکید کرد: این موضوع یکی از نقاط قوت اصلی ملت در مواجهه با توطئه‌ها و فشارهای بیگانگان بوده است. وی با یادآوری تأکیدات حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب در طول این سال‌ها، اظهار کرد: با وجود اختلاف نظر‌ها و نقدهای مختلف میان احزاب و گروه‌های سیاسی، همبستگی کلی جامعه حفظ شده و این امر نشان‌دهنده هوشیاری مردم و پایدنی آن‌ها به منافع ملی است. این کارشناس سیاسی نکته مهم دیگر را حمایت از دولت عنوان کردو افزود: دولت در متن مسائل اجرایی کشور قرار دارد و بار سنگین اداره اموربر دوش آن است، آنچه‌رهبر معظم انقلاب درباره حمایت از دولت فرمودند، در چارچوب وحدت ملی و هماهنگی کلی جامعه معنا پیدا می‌کند و هرگز به معنای بستن باب نقد و گفت‌وگو با دولت نیست. او با تأکید بر نقش سازنده نقد در تقویت دولت ادامه داد: انتقاده‌ها باید برای اصلاح مسیرهای نادرست و رفع کاستی‌ها مطرح و با بیان دستانه و کارشناسانه ارائه شود. این نوع گفت‌وگو‌ها نه تنها سبب بهبود عملکرد دولت می‌شود، بلکه همبستگی ملی را نیز تقویت می‌کند. دولت نیز موظف است جلسات منظم با منتقدان خود برگزار کند و از خرد جمعی برای ادامه مسیر بهره‌بربرد.

اما در بخش دیگری از این گفت‌وگو، رضایی به روابط ایران با آمریکا پرداخت و تأکید کرد: این کشور شایسته اعتماد و همکاری نیست، وی معتقد است: تجربه ۴۵ ساله نشان داده دولت آمریکا به تعهدات خود پایبند نبوده و قراردادهای بین‌المللی را نقض کرده است. وی با اشاره به نمونه‌هایی همچون قرارداد الجزایر سال ۱۳۵۹ و برجام افزود: آمریکا همواره تعهدات خود را زیر پا گذاشته و در تعاملات با ایران فریب‌کاری کرده است. حتی در ماجرای جنگ ۱۲ روزه نیز این رفتارها مشهود بود. بنابراین، اساسا دولت آمریکا غیر قابل اعتماد است و تعامل با آن تنها در صورتی ممکن خواهد بود که این کشور رفتار خود را اصلاح کند، هر چند بعید است چنین تغییر بنیادینی رخ دهد. این کارشناس مسائل سیاسی اظهار کرد: اتحاد ملی و حمایت هوشمندانه از دولت دو عامل اصلی عبور از مشکلات و چالش‌های داخلی و خارجی است و همواره باید بر ضرورت بهره‌گیری از خرد جمعی و گفت‌وگوی سازنده در مسیر تقویت دولت تأکید داشت.

■ حمایت منطقی از دولت و اتحاد ملی؛ کلید موفقیت کشور

سیدجلیل میرمحمدی، عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی و نماینده مردم تفت و میبد در گفت‌وگو با روزنامه قدس بر ضرورت حمایت از دولت و نقش اتحاد ملی در پیشرفت کشور تأکید کرد. او با اشاره به اهمیت همراهی با دولت اظهار کرد: دولت تا زمانی که مسئولیت دارد باید حتماً حمایت شود، همراهی و کمک به آن ضروری است تا بتواند مسئولیت بسیار خطیر و سنگین اجرایی خود را انجام دهد. تاکنون مجلس واقعاً حمایت کرده و در کنار آن، انتقاد سازنده، علمی و به دور از کینه و تخریب نیز حتماً انجام خواهد شد. وی با یادآوری فرمایشات رهبر فرانزه انقلاب افزود: فرمایشات حضرت آقا در حمایت از دولت مسبوق به سابقه بوده و برای همه دولت‌ها مطرح شده است. حمایت از دولت به معنای موفقیت آن در مسئولیتش و خدمت به مردم است. اختلافات سیاسی و تفقهایی سازنده باید کنار هم قرار گیرد و همفکری و همکاری در راستای حل مشکلات کشور دنبال شود. این عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی درباره انتقاد از دولت توضیح داد: انتقاده‌ها باید با هدف اصلاح مسیرهای نادرست و رفع نقاط ضعف، علمی و قابل انجام باشد. اگر انتقاد با دلسوزی و اعتقاد به منافع کشور ارائه شود، می‌تواند به تقویت دولت کمک کند و دولت هم باید از آن استقبال کرده، جلسات با منتقدان برگزار کند و با بهره‌گیری از خرد جمعی مسیر خود را ادامه دهد. وی گفت: در طول ۴۶ سال گذشته هر گاه اتحاد و همدلی میان آحاد مردم برقرار بوده، دشمنان نتوانسته‌اند کاری از پیش ببرند و ملت به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است. برکت معنوی این اتحاد از طرف خداوند به مردم نازل خواهد شد. میرمحمدی با اشاره به آخرین حمله خرداد ماه آمریکا و اسرائیل و همراهی ناتو با آنان افزود: با همدلی و اتحاد مثال‌زدنی مردم، دشمنان شکست خوردند و دست خالی بازگشتند. اگر این اتحاد در همه عرصه‌ها ادامه یابد و با استعدادهای کشور همراه شود، ایران می‌تواند به قله‌های پیشرفت و تعالی دست یابد. وی تصریح کرد: حمایت منطقی از دولت و حفظ همبستگی ملی، نه تنها مسیر موفقیت کشور را هموار می‌کند، بلکه برکات معنوی و مادی بسیاری برای ملت به همراه خواهد داشت.

گفت‌وگو

علی عمادی | مأموران یگان تکواری اسفندک هنگ مرزی سراوان در تاریخ ۲۴ شهریور امسال هنگام گشت‌زنی در محورهای مواصلاتی حوالی این روستا هدف حمله مسلحانه گروهک‌های تروریستی قرار گرفتند. در این حمله، مرزبان شجاع متین با هورزی سوارانی از ناحیه شکم مورد اصابت گلوله قرار گرفت و پس از چند ماه بستری در بیمارستان ثامن‌الائمه(ع) مشهد، روز پنجشنبه به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

این حادثه تروریستی با دیگر اثبات کرد در دفاع از میهن اسلامی دین، مذهب و تعلقات قومی هیچ گاه مانعی نبوده است. مرزبانان جمهوری اسلامی ایران با هر دین و مذهبی، با تمام وجود در دفاع از امنیت مرزها و مقابله با تهدیدهای تروریستی ایستاده‌اند. شهادت این مرزبان شجاع نقادی از وحدت ملی و فداکاری نیروهای مرزبانی است که در برابر دشمنان کشور جانفشانی می‌کنند.

سیاست

رهبر معظم انقلاب در سخنانی تلویزیونی با تأکید بر ضرورت استمرار بسیج فراگیر، عوامل ناکامی دشمنان را برشمردند و خطاب به مردم مطرح کردند

۴ توصیه برای اقتدار ایران



نحوی ناکام شدند که حتی زاویه‌داران با نظام نیز در کنار نظام قرار گرفتند و اتحادی عمومی در کشور پدید آمد. رهبر معظم انقلاب گفتند: البته ما هم خسارت‌هایی دیدیم و به اقتضای طبیعت جنگ، جان‌های عزیزی از دست ما رفت اما جمهوری اسلامی نشان داد که کانون اراده و قدرت است و می‌تواند بی‌واهمه از هیاهوها، قدرتمندانه بایستد و تصمیم بگیرد. ضمن اینکه خسارت‌مادی وارد بر دشمن متجاوز بسیار بیشتر از خسارت‌های مادی ما بود. ایشان به ضرر‌های بزرگ آمریکا در جنگ ۱۲ روزه اشاره کردند و افزودند: آمریکا در این جنگ به شدت ضرر کرد؛ چرا که با وجود به کارگیری آخرین تسلیحات پیشرفته هجومی و دفاعی نتوانست به هدفش یعنی فریب دادن ملت و همراه کردن آن‌ها با خود دست یابد بلکه اتحاد ملت بیشتر شد و آمریکا را هم ناکام گذاشتند.

■ بدنامی شدید رژیم صهیونیستی در فاجعه غزه

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای با اشاره به بی‌آبرویی و بدنامی شدید رژیم صهیونیستی در فاجعه غزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فجایع تاریخ منطقه، خاطر نشان کردند: آمریکا در این قضیه کنار رژیم غاصب قرار گرفت و به‌شدت بی‌آبرو بدنام شد؛ چرا که مردم دنیا می‌دانند رژیم صهیونیستی بدون آمریکا قادر به این همه فاجعه‌آفرینی نیست.

ایشان منفقورترین انسان در دنیای کنونی را رئیس دولت صهیونیستی و منفقورترین سازمان و پابند حاکم بر دنیا را رژیم صهیونی خواندند و افزودند: چون آمریکا در کنار آن‌ها قرار دارد،

طراحان، سازندگان و پرتاب‌کنندگان موشک‌ها، هر کسی که با منطق محکم و بیان رسا در مقابل شایعه پراکنی‌ها و سوسوسه‌ها روشنگری کرد و می‌کند، پرتشک و پرستار فدکاری که در جنگ بیمارستان را ترک نکردند و قهرمانان ورزشی که در میادین بین‌المللی به خدا، دین، کشور و ملت ابراز ارادت می‌کنند چه عضو سازمانی بسیج باشند چه نباشند، همه بسیجی‌اند. ایشان افزودند: امام که به بسیجی بودن خود افتخار می‌کرد در پی چنین بسیج فراگیری بود، بسیجی که مر بوطه فقرش خاصی نیست و همه اقوام، اصناف و قشرها را در برمی‌گیرد. رهبر معظم انقلاب در نکته پایانی خود درباره بسیج به همه مسئولان دستگاه‌های دولتی تأکید کردند: مانند یک بسیجی، به وظایف خود با ایمان، انگیزه و غیرت عمل کنید.

■ شرارت کردند، کتک خوردند، دست خالی برگشتند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنان‌شان، در خصوص مسائل منطقه و جنگ ۱۲ روزه گفتند: در جنگ ۱۲ روزه، ملت ایران بی‌تردید هم آمریکا و هم رژیم صهیونیستی را شکست داد. آن‌ها آمدند و شرارت کردند اما کتک خوردند و دست خالی برگشتند و به هیچ یک از اهداف خود نرسیدند که این، شکستی واقعی برای آن‌ها بود.

ایشان با اشاره به سخنانی مبنی بر طراحی ۲۰ ساله رژیم صهیونیستی برای جنگ با ایران، افزودند: آن‌ها برای جنگی برنامه‌ریزی کرده بودند که در آن بتوانند با تحریک ملت، مردم را هم به جنگ با نظام وادار کنند اما قضیه برعکس شد و به

هنوز افرادی که علاج را نه در وطن، که در لبخند دشمن می‌بینند و «شایعاتی درست می‌کنند که دولت ایران به واسطه قتل کشور به آمریکا پیغام فرستاد؛ دروغ محض!» و این هشداری برای درآویختگان به دشمن که «آمریکایی‌ها به دوستان خودشان هم خیانت می‌کنند؛ یعنی به کسانی هم که دوستان آن‌ها هستند، خیانت می‌کنند...». اما نقطه اوج بیانات رهبر معظم انقلاب جایی بود که ارتباط با دولت فعلی آمریکا را نه در شأن دولت ایران، بلکه حتی در شأن دولت‌های شبیه دولت ایران هم نمی‌دانست: «به طور قطع چنین دولتی درخرو آن نیست که دولتی مثل جمهوری اسلامی، به دنبال ارتباط و همکاری با او باشد». جمله‌ای که سخن ماندگار امام حسین (ع) در پاسخ به فرماندار مدینه را تداعی می‌کند که امام را به بیعت یزید فراخوانده بود و این پاسخ را شنید که: «مثلی لا یبایع مثله»؛ کسی مثل من با مثل یزید بیعت نمی‌کند! او را موضوع شخصی نیست و هیچ کس با چنین تفکری چنین بیعتی را نمی‌پذیرد و ثانیاً موضع امام در برابر یزید آن قدر بدیهی است که نیاز به گفتن ندارد و چنین معادله‌ای را اصلاً نباید به زبان آورد، چون حتی افرادی که قدری مثل امام می‌اندیشند هم چنین ننگی را نمی‌پذیرند! حالا میدان آن قدر روشن است که موضع جمهوری اسلامی ایران در چنین معادله‌ای نیاز به تکرار مکررات نداشته باشد. فقط دو ماه می‌گذرد از سخنرانی پیشین رهبر معظم انقلاب درباره مذاکره با آمریکا و خواهش‌های ایشان از «مسئولان و فعالان سیاسی» که در این باره فکر کنند و تأمل کنند و در این بجهت ترکیب جنگ و دیپلماسی، وضاحت عقلی را تبیین می‌کردند که چنین مذاکره‌ای هوشمندانه نیست، عاقلانه نیست، شرافتمندانه نیست و... و نهایتش چیزی نیست جز «بن‌بست محض» و «ضرر محض».

دوره پیشرفته روایت جنگ پای درس حضرت آقا

بباید با خودمان صادق باشیم! دست کم در میان مشاهیر سیاسی فعلی و ماضی، حجم و غلظت واقع‌بینی «آیت‌الله خامنه‌ای» بی‌نظیر است؛ یعنی به هیچ وجه و با هیچ بهانه‌ای نمی‌توان بر چسب‌های رایج ایدئولوژیک و ایدئالیستی را به اندیشه «آقا» چسباند! اما چطور می‌شود که در همین بیانات دور روز پیش، در حالی که تنها ۱۰ ثانیه زمان برای روایت جنگ اخیر لازم بود، اینچنین جمع‌بندی شود که دشمن، «دست‌خالی» از این جنگ خارج شده است؟ لازم است این ۱۰ ثانیه که عمر و معنی به قدمت تاریخ انسان دارد را دوباره مرور کنیم؛ یک روایت بی‌نقص و ایالات متحده را بازنمایی می‌کند و در این چارچوب، صد البته که پایان نیافته روایتی که شامل چهار جمله کلیدی است: جمله نخست: «آمدند» که یک همنشینی عیان و همپالگی آشکار بین رژیم جنایت‌پیشه صهیونی و ایالات متحده را بازنمایی می‌کند و در این چارچوب، حتی اعتبار نام بردن را از آن‌ها دریغ کرده و علاوه بر این، شروع کننده این منازعه را به مخاطب معرفی می‌کند؛ آن‌ها بودند که به قول معروف ایشان در همان روز ابتدایی، «جنگ به راه انداختند». جمله دوم: «شرارت کردند» که بار معنایی خاصی دارد: نه زیاده‌خواهی نه توسعه‌طلبی! «شرارت» کردند و این فعل جز از «مصدر شر و شیطان»،

رهبر معظم انقلاب در سخنانی تلویزیونی با تأکید بر ضرورت استمرار بسیج فراگیر، عوامل ناکامی دشمنان را برشمردند و خطاب به مردم مطرح کردند

۴ توصیه برای اقتدار ایران

منفقوریت صهیونیست‌ها به آمریکا هم سرایت کرده است، رهبر معظم انقلاب، دخالت‌های آمریکا در نقاط مختلف جهان را از دیگر عوامل انزواي روزافزون آن دانستند و گفتند: دخالت آمریکا در هر منطقه‌ای، باعث جنگ افروزی و یا نسل کشی، ویرانی و آوارگی است. ایشان جنگ پر خسارت و بی نتیجه او کران را نمونه‌ای از دخالت‌های آمریکا دانستند و افزودند: رئیس جمهور کنونی آمریکا که می‌گفت سه روزه این جنگ را حل خواهد کرد، اکنون پس از حدود یک سال، در حال تحمیل طرح ۲۸ ماده‌ای به کشوری است که آن را وارد جنگ کرده‌اند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حملات رژیم صهیونیستی به لبنان، تجاوز به سوریه و جنایات آن در کرانه غربی و وضع اسفبار غزه را مصدایق دیگری از حمایت‌های عیان آمریکا از جنگ و جنایت رژیم پلید برشمردند و گفتند: البته شایعاتی درست می‌کنند که دولت ایران به واسطه فالن کشور به آمریکا پیغام فرستاده است که این، دروغ محض است و چنین چیزی حتماً وجود ندارد. ایشان با اشاره به خیانت آمریکا حتی به دوستان خود در ازای حمایت از باند صهیونی و جنایتکار و تلاش برای جنگ افروزی در دنیا به خاطر نفت و منابع زیرزمینی که دامنه آن امروز به آمریکای لاتین نیز رسیده است، گفتند: چنین دولتی، قطعاً دولتی نیست که جمهوری اسلامی در پی همکاری و ارتباط با آن باشد.

■ توصیه به اتحاد ملی و حمایت از دولت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش پایانی سخنان خود چند توصیه خطاب به ملت بیان کردند که اولین آن‌ها حفظ و تقویت اتحاد ملی بود. ایشان گفتند: اختلافات میان قشرها و جناح‌های سیاسی وجود دارد اما مهم این است که در مقابل دشمن همچون جنگ ۱۲ روزه، کنار هم باشیم که این همبستگی عامل بسیار مهمی برای اقتدار ملی است. رهبر معظم انقلاب با توصیه به حمایت از رئیس جمهور و دولت خدمتگزار افزودند: کار اداره کشور سخت و سنگین است و دولت نیز کارهای خوبی از جمله ادامه کارهای نیمه‌تمام شهید رئیسی را شروع کرده که ان شاءالله نتایج آن را مردم خواهند دید.

پرهیز از اسراف در همه موارد از جمله نان، گاز، بنزین و اقلام خوراکی توصیه سوم رهبری معظم به ملت بود. ایشان اسراف را از مهم‌ترین خطرها و ضرر‌های خانواده‌ها و کشور خواندند و گفتند: اگر این همه اسراف نباشد بدون شک اوضاع کشور خیلی بهتر خواهد بود.

توصیه آخر رهبر انقلاب به مردم تقویت ارتباط با خداوند و تصرع و دعا برای همه چیز از جمله باران، امنیت و عاقبت بود تا خداوند، اسباب اصلاح امور را به فضل خود فراهم کند.

نشأت نمی‌گیرد که ما ماهیتی انسانی برای جبهه آمریکایی – صهیونیستی این داستان قائل نیستیم. این خود شیطان است که مجسم شده و به جنگ ما آمده... در جواب اما واکنش ما چه بوده است؟ جمله سوم؛ «کتک خوردند» که بازنمایی دفاع جانانه و پاسخ‌های دندان شکن جمهوری اسلامی ایران به شرارت مذکور است و پرده نهایی این روایت و جمله آخر؛ «دست خالی برگشتند...» من نگران اما نا آگاه، احتمالاً خواهیم پرسید که این همه شهید، دانشمندان و سرداران، تأسیسات آسیب دیده هسته‌ای! یعنی دستاوردی برای دشمن ما نبوده؟ در واقع نه! در مقام قیاس با آنچه به عنوان هدف از این شرارت برای دشمن صهیونی – آمریکایی متصور بوده، نتیجه تقریباً چیزی جز همان «برگشتن با دست خالی» نبوده است. ایران یکپارچه، متحد و همدل تر از همیشه و جمهوری اسلامی استوار و آرموده در این آوردگاه سخت، بقای ایران و اسلام را در این جغرافیای گرانسنگ تضمین شده می‌بیند. در مقابل این دشمن بود که هم به اهدافش نرسید، هم آسیب‌های جدی خورد، هم با نمونه کوچک محقیاسی از جهنم در انتظار صهیونیست‌ها آشنا شد و از همه مهم‌تر، افکار عمومی را در مقیاسی جهانی به جمهوری اسلامی ایران واگذار کرد. پس با پیشوای خود هم صدا و هم نظیر که «آمدند، شرارت کردند، کتک خوردند و دست خالی برگشتند...» سال هاست که بار تبیین و اقناع افکار عمومی در شرایط ضعف مفرط ما در حوزه رسانه (عم از ملی و غیر آن روی دوش رژیم جامعه‌پوده‌اما شاید لازم باشد گاهی پای درس ایشان بنشینیم و «روایت» بیاموزیم که عصر، عصر ارتباط است و ارتباط با رسانه شکل می‌گیرد و دال مرکزی در امر رسانه، عبارت است از روایت! روایت جنگ‌ها و جنگ روایت‌هاست که در امتداد میدان نظامی، ظفرمندان کارزارهای مهم تاریخی را رقم می‌زند.



یادداشت

مجتبی خاتونی

کتک خوردند و دست خالی برگشتند...

دوره پیشرفته روایت جنگ

پای درس حضرت آقا

بازی خورده و مغرض‌اند و زمینه نفوذ دشمنان اسلام را فراهم می‌کنند. آن‌ها نمی‌خواهند این امنیت، این برادری و این آزادی که مردم منطقه در سایه نظام جمهوری اسلامی دارند، باقی بماند.

امام جمعه اهل سنت سراوان با اشاره به تلاش دشمن برای ایجاد تفرقه در مناطق مرزی گفت: دشمن تلاش می‌کند خدمات گسترده‌ای را که در این منطقه انجام شده زیر سؤال ببرد. نمی‌تواند ببیند مردم با اخوت و برادری در کنار هم زندگی می‌کنند. از این رو ابزارهای مختلف می‌خواهد امنیت را بر هم بزند و وحدت را مخدوش کند. او با هشدار نسبت به شناخت توطئه‌های دشمن بیان کرد: مردم باید دشمنان و ترفندهای آنان را بشناسند. کافی است ببینیم همین دشمن در فلسطین و جاهای دیگر چه کرده‌اند. هدفشان فقط این است که اسلام نباشد و مسلمانان باهم تفرقه داشته باشند.

می‌کنند، گفت: هر وقت ببینند مردم با هم منسجم‌اند، کنار هم زندگی می‌کنند و در آرامش هستند، به دنبال ایجاد مشکل می‌روند. برای دشمن فرقی ندارد فرد شیعه باشد یا سنی؛ هر کس در مسیر اسلام، آبادانی کشور و وحدت مردم قدم بردارد، هدف قرار می‌گیرد.

مولوی ساداتی با اشاره به نقش استکبار جهانی در تحریک و حمایت از گروهک‌های تروریستی افزود: آمریکا و رژیم صهیونیستی تنها دشمن اصلی مردم ایران نیستند؛ بلکه امروز جهان اسلام را هدف گرفته‌اند. از فلسطین تا هر نقطه دیگر، هدف مشترکشان یکی است: نابود کردن وحدت اسلامی. او معتقد است: افراد فریب خورده‌ای که دست به این اقدامات می‌زنند،

■ هدف تروریست‌ها، تخریب امنیت و تخریخ خدمات نظام است

در پی شهادت مرزبان فداکار «متین باهورزی سورانی» در حمله تروریستی اسفندک، مولوی سید عبدالصمد ساداتی، امام جمعه اهل سنت سراوان:

گفت‌وگو با روزنامه قدس با محکوم کردن این اقدام ناجوانمردانه تأکید کرد: دشمن از وحدت مردم ضربه می‌خورد؛ فرقی ندارد مرزبان شیعه باشد یا سنی، دشمن کارش دشمنی است. چنین اقداماتی هرگز اراده مردم و نیروهای مرزبانی را تضعیف نخواهد کرد. ملت ایران با هر مذهب و قومی، یکپارچه در دفاع از امنیت کشور ایستاده‌اند.

وی با بیان اینکه دشمنان از هر فرصتی برای ضربه زدن به امنیت کشور استفاده

تبعه افغانستانی که به‌تازگی تابعیت آمریکایی گرفته است یک سرباز گارد ملی را کشت

قتلی تراژیک؛ مقدمه حذف مهاجران در آمریکا

حتی‌را دیک‌الیزاسیون سوق دهد. کارشناسان مؤسسه برنان برای عدالت، به نقل از یواس‌ای تودی هشداری می‌دهند که این رویکرد با هزینه‌ای بیش از ۳/۶ میلیارد دلار برای استقرار ۲۰ هزار نیرو ممکن است به جای کاهش حملات، با ایجاد حس «تهاجم نظامی» در جوامع مهاجرنشین، به چرخه‌ای از خشونت دامن بزند؛ برای مثال، حضور گسترده گارد ملی در دی‌سی نه تنها امنیت را افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند سبب شود مهاجرانی مانند لکنوال که سابقه همکاری با آمریکا داشته و پناهندگی‌اش توسط ترامپ تأیید شده، احساس تهدید کنند و انگیزه‌های پنهان، مانند خشم از خروج آشفته آمریکا از افغانستان را فعال کند. با این حال به گزارش فاکس نیوز، حامیان ترامپ این سیاست‌ها را «ضروری برای حفاظت از شهروندان» می‌دانند و معتقدند بدون آن‌ها حملاتی مانند این احتمالاً بدتر می‌شود، هرچند آمار نشان می‌دهد نرخ جرایم مرتبط با پناهندگان افغانستانی بسیار پایین (کمتر از ۰/۸ درصد) است.

■ شکاف بر سر امنیت و حقوق بشر

در داخل آمریکا انتقادهایی تند نسبت به این سیاست‌ها به گوش رسیده و بحث‌ها را داغ‌تر کرده است. به نقل از پست‌های اخیر در شبکه اجتماعی ایکس، فعالان حقوق بشر از اتحاد آزادی‌های مدنی آمریکا (ای‌سی‌ای‌لو) هشدار داده‌اند که «استفاده از ارتش برای اجرای قوانین مهاجرتی، آزادی‌های مدنی را نابود کرده و جوامع را به میدان جنگ تبدیل می‌کند» و این رویکرد را «نخستین گام به سوی دیکتاتوری» خوانده‌اند. کاربرانی مانند جان‌اتان لمیر، روزنامه‌نگار تلانتیک، ترامپ را متهم به «سوءاستفاده از ترازوی برای جنجال ضد مهاجرتی» کرده‌اند. همچنین به گزارش جاستی سیوری‌تی، گروه‌هایی مانند شورای مهاجرت آمریکا این اقدام‌ها را «بی‌رحمانه و تبعیض‌آمیز» خوانده و تأکید کرده‌اند تمرکز بر مهاجران افغانستانی که بسیاری از آن‌ها متحدان سابق آمریکا بوده‌اند، می‌تواند به بی‌اعتمادی گسترده منجر شود و امنیت واقعی را تضعیف کند؛ یکی از کاربران ایکس نوشت: «شوتر پناهندگی‌اش را در آوریل ۲۰۲۵ از ترامپ گرفت و حالا او از این برای توجیه اشغال دی‌سی استفاده می‌کند، این دیوانگی است». این صداها هرچند در میان موج همدردی با قربانیان، پراکنده است، نشان می‌دهد شکاف عمیقی در جامعه آمریکا بر سر تعامل میان امنیت و حقوق بشر وجود دارد؛ به ویژه که دادگاه‌های فدرال در حال بررسی قانونی بودن استقرار نیروها هستند.

این حادثه که به باور بعضی یادآور زخم‌های جنگ افغانستان و خروج پر آشوب ۲۰۲۱ به شمار می‌آید، حالا گفتمانی ملی در سراسر آمریکا در مورد مهاجرت، امنیت و هویت آمریکایی راه انداخته است. به گزارش الجزیره، در حالی که تحقیقات اف‌بی‌آی ادامه دارد و انتظار می‌رود ولف زنده بماند، این رویداد می‌تواند مقدمه اخراج گسترده مهاجرانی را که ترامپ دل خوشی از آن‌ها ندارد فراهم کند.



نیویورک تایمز، ترامپ دستور اعزام ۵۰۰ نیروی اضافی گارد ملی به واشنگتن را داد تا حضور کلی نیروها به بیش از ۲ هزار و ۷۰۰ نفر برسد؛ اقدامی که با چالش‌های قانونی روبه‌رو است. یک قاضی فدرال به تازگی استقرار فعلی را «نامقرون به قانون اساسی» دانسته؛ اما دولت ترامپ درخواست تعلیق این حکم را داده است. ژنین پیرو، دادستان ایالات متحده برای دی‌سی، در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با کاش پاتل، مدیر اف‌بی‌آی و شهردار موریل بوئر، قربانیان را «قهرمانان واقعی» نامید و قول داد تحقیقات با تمرکز بر «تروریسم داخلی و بین‌المللی» پیش برود. فرماندار ویرجینیای غربی، پاتریک موریس نیز حمایت کامل از خانواده‌ها را اعلام کرد و گشت‌زنی‌های پلیس محلی را افزایش داد. باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق هم در بیانیه‌ای خشونت را محکوم و برای خانواده‌ها دعا کرد!

■ تشدید تنش‌ها با ضرورت امنیتی؟

این واکنش‌های قاطع، هرچند با ادعای حفاظت از امنیت ملی، پرسش‌های جدی در مورد تأثیر سیاست‌های سختگیرانه ترامپ بر فضای داخلی آمریکا را برانگیخته است. برنامه‌های ترامپ برای میلیتاریزه کردن مرزها و استفاده از گارد ملی در عملیات مهاجرتی که از اگوست ۲۰۲۵ با استقرار ۲ هزار و ۳۷۵ نیرو در واشنگتن آغاز شده و اکنون به شهرهای دیگر گسترش یافته، می‌تواند تنش‌های اجتماعی را تشدید کند و مهاجران را به انزوا و عدم مشارکت در جامعه سوق دهد. این اقدامات با ارزش‌های اساسی دموکراسی و حقوق بشر در تضاد است. منتقدان استدلال می‌کنند که چنین اقداماتی نه تنها امنیت را افزایش نمی‌دهد، بلکه می‌تواند به بی‌اعتمادی و تنش در جامعه منجر شود. با توجه به اینکه مهاجران بخش مهمی از نیروی کار و اقتصاد آمریکا را تشکیل می‌دهند، این اقدامات می‌تواند به ضرر اقتصادی منجر شود. علاوه بر این، این اقدامات می‌تواند به تشدید تنش‌های اجتماعی بین مهاجران و شهروندان بومی منجر شود.

■ ژاپن؛ یک قناری در معدن زغال سنگ

موقعیت ژاپن امروز دقیقاً در نقطه تلاقی رقابت ساختاری آمریکا و چین قرار دارد. واشنگتن همچنان ستون امنیتی ژاپن است و بخش عمده‌ای از راهبردهای ژاپن در شرق آسیا از طریق حضور نظامی آمریکا در جزایر اوکیناوا اجرا می‌شود؛ اما آمریکا نیز تمایلی به ورود مستقیم به جنگ با چین ندارد و ترجیح می‌دهد کشورهای متحد مانند ژاپن یا فلیپین هزینه‌های اولیه بازدارندگی را بپردازند.

■ سنکاگو-دیابو؛ نقطه فشار پکن

با شدت‌گیری بحران، پکن فرصت را مناسب دید تا دامنه تنش را به مسئله دیرینه دیگری یعنی مناقشه بر سر جزایر سنکاگو-دیابو سوق دهد. چین با اعزام ناوها، گارد ساحلی و در مواردی پهپادهای شناسایی، این پیام واضح را ارسال کرد که اگر ژاپن بخواهد در مسئله تایوان نقش فعال‌تری ایفا کند، چین می‌تواند دوجانبه بکاهد.

■ تاکاچیو و چالش قانونی امنیت جمعی

در حالی که رسانه‌های غربی اظهارات تاکاچیو را نشانه‌ای از تغییر تاریخی سیاست دفاعی ژاپن تفسیر کردند، واقعیت حقوقی بسیار پیچیده‌تر است. بر اساس اصلاحات امنیتی اخیر ژاپن، این کشور تنها زمانی مجاز به استفاده از «دفاع جمعی» است که یک متحد به طور مستقیم درگیر نشده باشد و عملیات چین تهدیدی ملموس را برای بقای ژاپن ایجاد کند. به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران می‌گویند بدون ورود رسمی نیروهای آمریکایی،

۱- آخرین مهلت تحویل پیشنهادات به نشانی مذکور، ساعت ۱۶ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ می‌باشد.

۲- سایر شرایط مزایده، در اسناد درج شده و به متقاضیان تحویل داده خواهد شد.

شرکت مدیریت ساخت و ابنیه رضوی				
مشخصات و نشانی دقیق املاک در دومین فراخوان مزایده عمومی اجاره املاک - آذر ۱۴۰۴				
ردیف	نام پروژه	مساحت عرصه (متر مربع)	نشانی	بهره برداری
۱	شمس ۴۹	۶۵۹۲	تهران، شهرک غرب، خیابان ایران زمین نبش خیابان مهستان	پارکینگ کارواش بازار روز
۲	شمس ۷۱	۱۱۶۶۴	تهران، بزرگراه آیت ا... هاشمی رفسنجانی (شرق) ورودی به بزرگراه کردستان (جنوب)	پارکینگ

ورود توکیو به توفان رقابت راهبردی واشنگتن و پکن در تایوان

ژاپن و سنگ بزرگی که برداشته است

ژاپن نمی‌تواند یک‌جانبه وارد جنگ شود.

این سو버داشت رسانه‌ای از آنجا نشأت گرفت که دولت ژاپن به طور کامل این نکات حقوقی را برای مخاطبان بین‌المللی توضیح نداد. به گفته هرویوکی نیشیمورا، بی‌مبلی توکیو برای روشن‌سازی این موضوع به دلیل نگرانی از آزرده کردن دولت واشنگتن است؛ چرا که تأکید بر محدودیت‌های ژاپن می‌توانست دولت آمریکا به رهبری ترامپ را در شرایطی دشوار قرار دهد و از ابزار بازدارندگی دوجانبه بکاهد.

سیداحمد موسوی | در پی تشدید تنش‌های اخیر میان چین و ژاپن بر سر آینده تایوان، روابط دو قدرت آسیایی وارد مرحله‌ای شکننده و بی‌سابقه شده است. اظهارات ساناته تاکاچیو، نخست‌وزیر محافظه‌کار ژاپن مبنی بر اینکه «محاصره یا حمله چین به تایوان می‌تواند تهدیدی برای بقای ژاپن باشد» نه تنها فضای سیاسی داخلی را دستخوش چالش کرده؛ بلکه تنش‌هایی تازه در منطقه به وجود آورده است. واکنش پکن؛ از هشدارهای مسافرتی و محدودیت‌های تجاری گرفته تا استقرار گارد ساحلی در اطراف جزایر سنکاگو-دیابو نشان می‌دهد تایوان اکنون فقط موضوعی دوجانبه نیست؛ بلکه به نقطه تلاقی رقابت راهبردی آمریکا و چین تبدیل شده است.

■ تاکاچیو و چالش قانونی امنیت جمعی

در حالی که رسانه‌های غربی اظهارات تاکاچیو را نشانه‌ای از تغییر تاریخی سیاست دفاعی ژاپن تفسیر کردند، واقعیت حقوقی بسیار پیچیده‌تر است. بر اساس اصلاحات امنیتی اخیر ژاپن، این کشور تنها زمانی مجاز به استفاده از «دفاع جمعی» است که یک متحد به طور مستقیم درگیر نشده باشد و عملیات چین تهدیدی ملموس را برای بقای ژاپن ایجاد کند. به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران می‌گویند بدون ورود رسمی نیروهای آمریکایی،

دومین فراخوان بهره برداری زمین

شرکت مدیریت ساخت و ابنیه رضوی در نظر دارد تعدادی از املاک خود واقع در شهر تهران را با مشخصات جدول ذیل از طریق برگزاری مزایده عمومی بصورت اجاره واگذار نماید .

علاقه مندان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و خرید اسناد مزایده با ارائه اصل فیش واریزی به مبلغ

۲۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال (برای هر پروژه) به حساب شماره ۰۰۴۳۷۴۰۰۴۳۴۰۱۲۰ نزد بانک صادرات به نام شرکت مدیریت

ساخت و ابنیه رضوی از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸ صبح الی ۱۶ استثناء روزهای تعطیل به نشانی های ذیل مراجعه و یا با شماره تلفن های درج شده تماس حاصل فرمایند.

نشانی دفتر : تهران، خیابان ولیعصر، تقاطع بلوار میرداماد پلاک ۲۶۲۰ شماره تلفن : ۰۲۱ - ۸۸۷۹۲۸۱۹ - ۰۲۱ داخلی ۲۱۰

۱- آخرین مهلت تحویل پیشنهادات به نشانی مذکور، ساعت ۱۶ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ می‌باشد.

۲- سایر شرایط مزایده، در اسناد درج شده و به متقاضیان تحویل داده خواهد شد.

با احسان نصیری، معلم و مدیر جوان روستاهای کم‌برخوردار خراسان رضوی که از هر امکانی برای آموزش استفاده می‌کند

من عشق معلمی‌ام



عباسعلی سپاهی یونس‌ا میهمان این هفته من معلم جوانی است که بیشتر از همه آن‌هایی که تا امروز سراغشان رفته‌ام او را می‌شناسم. شناخت من از احسان برمی‌گردد به پدرش علیرضا نصیری که در دوره دبیرستان معلم ادبیات من بود. یادم هست در همان اولین برخورد متوجه شدم او از دل و جان معلم است. خوشحالم که ارتباطم با پدر احسان تا امروز ادامه دارد. چیزی که در مورد احسان برابرم جالب است عشق بیش از حد او به معلمی است به نوعی او کپی پدر و مادرش است که هر دو از معلم‌های خوب این سرزمین هستند. به خاطر دارم در دوره دبیرستان پدرش همین که متوجه شد من استعداد شعر دارم تعدادی کتاب برابرم آورد، کاری که احسان هم برای دانش آموزانش انجام می‌دهد. او آن قدر عاشق معلمی است که وقتی برای سفر به شمال رفت از دریا، جنگل و دیگر چیزها فیلم گرفت تا آن‌ها را در کلاسش برای دانش آموزانش به نمایش بگذارد. احسان معلمی است که از فضای مجازی هم برای پیشبرد اهدافش استفاده می‌کند. او خود را راوی می‌داند و در پیچ شخصی‌اش روایت‌های جذابی از معلمی‌اش را بازگو می‌کند که با استقبال خوب دنبال‌کنندگان صفحه‌اش روبه‌رو شده است. این روایت‌ها برکاتی برای دانش آموزان و مدرسه‌اش هم داشته است. کاش تعداد معلم‌هایی چون احسان نصیری؛ معلمی جوان، بانگیزه و خلاق بیشتر بشود.



من عشق معلمی بودم

معمولاً در بیشتر خانواده‌های ایرانی والدین به دنبال این هستند که فرزندانشان با پزشک شوند یا مهندس، اما خوشبختانه در خانواده ما به انتخاب بنده احترام گذاشته شد و سراغ ادبیات و درنهایت معلمی رفتیم. در دوره راهنمایی معلمی داشتیم به نام آقای بزرگر که دبیر ادبیات بود. ایشان هم با صبر و مهر بانی تدریس می‌کرد و در گرایش من به معلمی و رشته ادبیات تأثیر داشت. بعد از کنکور در رشته علوم تربیتی در مشهد وارد دانشگاه شدم. در دوره دانشگاه دومی‌ام استاد داشتیم بعضی از اساتید آن‌هایی بودند که ما را با علاقه و ذوق و شوق پیش می‌بردند و بعضی از اساتید هم بودند که همان اول کار آب پاکی را روی دست ما می‌ریختند. این اساتید معمولاً از وضعیت آموزش و پرورش و وضعیت روستاهای کم‌برخوردار می‌گفتند و اینکه ما چند سال اول را باید در آن روستا خدمت کنیم. این اساتید به این نکته اشاره می‌کردند که ما در دوره دانشجویی از لحاظ مالی جلوه‌ستیم، اما بعد از اینکه سر کار رفتیم باید حتماً شغل دیگری در کنار شغل معلمی داشته باشیم و این ممکن بود برای بعضی‌ها دلسردکننده باشد؛ چون وقتی فکر و ذکرت این شده است که به یک چیزی برسی و دقیقاً جایی که انتظار نداری می‌خواهند تو را از رسیدن به آن منصرف کنند. قاعده‌تاً حس خوبی به آدم دست نمی‌دهد.

سال ۱۳۷۸ در مشهد و در خانواده‌ای به دنیا آمدم که هم پدر و هم مادرم معلم هستند. یعنی می‌توانم بگویم از همان کودکی در جریان ماجرای آموزش و پرورش بودم. اینکه پدر و مادرم معلم هستند و عاشقانه کارشان را دوست دارند دلیلی شد برای اینکه من هم به سمت معلمی کشیده شوم. در همین مشهد به مدرسه رفتم و دبیرستان را هم در رشته ادبیات و علوم انسانی به پایان رساندم. اینکه چرا به رشته ادبیات علاقه‌مند شدم برمی‌گردد به علاقه پدرم به ادبیات. اگر بخواهم بیشتر به دلیل این ماجرا اشاره کنم این بود که از همان کودکی به سبب علاقه والدین و مشخصاً پدرم به ادبیات و شعر شاعران بزرگ از جمله مولوی، فردوسی، حافظ و دیگر بزرگان ادبیات کشورمان، ناخودآگاه من هم به ادبیات علاقه‌مند شدم. یادم هست پدرم در کودکی و نوجوانی‌ام، غیر مستقیم من را به سمت ادبیات سوق داد. یعنی گاهی کتابی مناسب سن من در قفسه کتاب‌هایم می‌گذاشت و معمولاً آن کتاب‌ها آثاری بودند که من را به مطالعه و ادبیات راغب می‌کردند. یادم هست در آن مقطع یکی از کتاب‌هایی که خیلی به دلم نشست مجموعه هشت کتاب سهراب سپهری بود که خسرو شکیبایی هم بعضی از اشعارش را دکلمه کرده بود. خواندن و شنیدن آن اشعار خیلی برابرم شوق انگیز بود و بیش از پیش به ادبیات علاقه‌مند شدم.

دلم در روستاهای کم‌برخوردار ماند

فراوانی که به معلمی داشتم داوطبانه درس کار و فناوری دانش آموزان مادرم را برعهده گرفته بودم یا در مدرسه‌ای که برادر کوچکم مشغول تحصیل بود درس هنرش را بر عهده گرفته بودم؛ چون خیلی به معلمی علاقه‌مند بودم. انگار تکه‌های پازل زندگی من طوری کنار هم دیگر قرار گرفتند تا به معلمی برسم. یعنی از تولد در خانواده‌ای که پدر و مادر معلمی را دوست دارند تا آشنا شدن با معلمی که در دوره راهنمایی عشق و ادبیات و معلمی را در وجودم شعله‌ور کرد تا شرکت در دانشگاه فرهنگیان و سرانجام معلم شدن. در این میان تصمیم این شد که از مناطق کم‌برخوردار نرم. این را هم بگویم که در کنکور انتخاب من رشته ادبیات بود، اما بنا بر رتبه و انتخاب رشته، در آموزش ابتدایی قبول شدم و این یک اتفاق خیلی خوب برای بنده بود هرچند آن زمان مقداری تلخ شدم چون دوست داشتم به رشته دبیری ادبیات بروم، اما آموزش ابتدایی قبول شده بودم و رفته‌رفته متوجه شدم اتفاق خوبی افتاده است و چقدر می‌توانم روی بچه‌ها تأثیرگذار باشم.

دانشگاه که تمام شد باید مکان تدریس را انتخاب می‌کردیم. اولین روستایی که من انتخاب کردم دیزباد پایین نیشابور بود. شروع معلمی من همزمان شد با ماجرای کرونا و اینکه باید در آن وضعیت کلاس‌ها را برگزار می‌کردیم، اما خوشبختانه در آن مقطع مدیر مدرسه خانم مریم عابدی بسیار مدیر تأثیرگذاری بود چه از نظر کاری و چه از نظر اخلاقی و همین کار را برای من که در شروع راه بودم ساده‌تر می‌کرد. یک سالی را که در روستا بودم پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها به مشهد برمی‌گشتم، اما زندگی با مردم روستا و بچه‌های باصفا روز به روز من را بیشتر به این سمت سوق داد که از روستا نرم، چون می‌دیدم که بچه‌های روستایی چقدر استعداد دارند، چقدر با اخلاق هستند و چیزی کم ندارند که به آن‌ها محروم بگویم. به قول یکی از دوستانم آقای باقری بهتر است بگویم کم‌برخوردار یعنی از امکانات کمتری برخوردار هستند. سال دوم را در روستای سلطان آباد نمک گذراندم و از سه سال پیش در روستای کج‌النگ مشغول به خدمت هستم. این را هم بگویم که من پیش از ورود به دانشگاه، به سبب علاقه

استفاده از فضای مجازی

معلم در فضای مجازی کار درستی نبود. البته در این میان بودند معلم‌هایی که به درستی از این فضا استفاده می‌کردند، اما تعداد آن‌ها به نظر کم بود. یادم هست یکی از روزها با دوستی در حال رفتن به جایی بودیم که با دیدن یکی از همان پست‌ها ناراحت شدم. دوستم دلیل ناراحتی‌ام را پرسید بعد از اینکه ماجرا را گفتم، دوستم گفت: خب تو می‌توانی وارد این حوزه شوی و کار درست را انجام دهی. دوستم من را تشویق کرد که به سهم خودم بتوانم کار درست را انجام بدهم. در آن مقطع یاد کارهای بعضی از معلمان از جمله دوست و همکارم حسین باقری افتادم که با کمک فضای مجازی آرزوهای دانش آموزان را برآورده می‌کرد یا معلم‌هایی که از این طریق برای بچه‌ها کتابخانه ایجاد می‌کردند یا معلم‌هایی که سعی می‌کنند بچه‌ها را در مسیری که استعداد دارند هدایت کنند. خلاصه اینکه من هم وارد این فضا شدم، اما با نگاهی متفاوت یعنی خودم را نه به عنوان یک معلم؛ بلکه به عنوان راوی به مخاطب معرفی کردم. اولین پست را اردیبهشت ۱۴۰۳ منتشر کردم و در آن توضیح دادم که قرار است در این صفحه راوی لحظات مختلفی باشم که به عنوان یک معلم در مدرسه و با دانش آموزانم تجربه می‌شود. اولین پست را که منتشر کردم بازتاب‌های بسیار خوبی از مخاطبان گرفتم.

ورود به فضای مجازی پزلی بود که برای من چند تکه داشت. وقتی وارد آموزش و پرورش شدم و به عنوان معلم کارم را شروع کردم متوجه این موضوع هم بودم که امکانی به اسم اینستاگرام روز به روز بیشتر جای خود را در میان مخاطبان باز می‌کند و تعدادی از معلمان هم از این امکان استفاده می‌کنند. به خاطر دارم در آن مقطع یک روز به خودم آمده و متوجه شدم بیشتر پست‌هایی را می‌بینم که معلم‌ها در آن نقش آفرینی می‌کنند. دوست داشتم ببینم حرف معلم‌ها در این پست‌ها چیست و متوجه شدم خیلی از دوستانی که در این فضا فعالیت می‌کنند نوعی نمایش را به مخاطب عرضه می‌کنند که خوشایند نیست. گاهی این حس به من دست می‌داد که دانش آموزان بهانه‌ای برای جمع کردن دنبال‌کننده شده‌اند. گاهی از دیدن بعضی از این صحنه‌ها به عنوان یک معلم بسیار ناراحت می‌شدم چون از نظر من نشان دادن این تصویر از



از مدرسه تا سینما

سال گذشته یکی از قول‌هایی که به بچه‌ها داده بودم را عملی کردم که رفتن به سینما در مشهد بود. چون اتوبوس نمی‌تواند به روستا کج‌النگ در ۹۵ کیلومتری مشهد بیاید، بچه‌ها را با وانت تا سر جاده رساندیم و از آنجا با اتوبوس به مشهد رفتیم تا در سینما هویزه فیلم دیدن را تجربه کنند. «فرشتگان افطار می‌کنند» یکی دیگر از روایت‌های من از فضای مدرسه و دانش آموزانم بود. در آن اتفاق خوب البته دوست و همکارم حسین باقری معلم آرزوها هم به ما کمک زیادی کرد. ما در مدرسه روستای کج‌النگ دیواری داریم به نام دیوار آرزوها یعنی بچه‌ها دستشان را رنگی کردند و به دیوار زدند. بچه‌ها با این کار قول دادند به آرزوهایشان برسند و قرار ما و بچه‌ها این است که ۱۰ سال دیگر دوباره برگردیم کنار

هنر اختصاص یافت که آن هم مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت. به نظر کارهایی از این دست روایت آن‌ها در فضای مجازی می‌تواند برای همکارانم انگیزه و الگو باشد. یکی از روزها سه‌تاری را با خودم به مدرسه بردم و بچه‌ها هم آن ساز را لمس کردند و از نزدیک با آن آشنا شدند. من همان مقداری که یاد گرفته بودم را برای آن‌ها اجرا کردم و آن روز ذوق و شوق بچه‌ها را مشاهده کردم. از یک جایی به بعد مردم بیشتر متوجه فعالیت صفحه بنده شدند و یکی از درخواست‌های آن‌ها این بود که آیا می‌شود برای بچه‌ها چیزی ارسال کرد؟ چیزهایی مثل کتاب و نوشت افزار. خلاصه از سال دوم بود که بعضی از هموطنان عزیز شروع کردند به ارسال بعضی از چیزها برای دانش آموزانم مثل کتاب، نوشت افزار و چیزهایی از این قبیل. من با همکاری همکارانم لوازم تحریر را به دست بچه‌ها رساندیم آنجا هم سعی بر این شد در قالب هدیه به بچه‌ها داده شود، اما با این عنوان که دانش آموز امتیازی کسب کرده است و متوجه کار خوبش شود و مورد تشویق قرار گیرد.

سفرهای مجازی با بچه‌ها

از همان شروع فعالیت‌م در فضای مجازی دلم می‌خواست به مخاطبانم بگویم همه معلمی این نیست که بعضی از معلمان در فضای مجازی به نمایش می‌گذارند. یعنی سعی کردم به دانش آموزانم تجربه‌های جدیدی در تدریس بدهم و مدرسه و درس را برای آن‌ها خوشایندتر کنم. از طرفی می‌خواستم این تجربه‌ها را به عنوان راوی با دیگران در فضای مجازی به اشتراک بگذارم؛ این دیگران می‌توانستند معلمان یا افرادی عادی باشند. مثلاً برای اینکه بچه‌ها بدانند ایران عزیز ما چه دختر فرهنگی دارد برنامه‌ای گذاشتم با عنوان فردوسی به کلاس ما می‌آید. آن روز من شاهنامه فردوسی و پرده نقالی را به کلاس بردم و تصاویری آماده کردم تا بچه‌ها آن‌ها را رنگ بزنند و خلاصه در آن ساعت بچه‌ها بیشتر و به شکل متفاوت‌تری با فردوسی آشنا شدند. با زمانی تصمیم گرفتم دانش آموزانم را به مناسبت تولد خیام به نیشابور ببرم، اما به دلایلی این اتفاق نیفتاد برای همین خودم به نیشابور رفتم و در آرامگاه خیام فیلمی برای بچه‌ها ضبط کردم و آن را در کلاس به نمایش گذاشتم. آن روز بچه‌ها حس بسیار خوبی از این اتفاق گرفتند و جالب اینکه وقتی روایت آن را در پیچ شخصی‌ام منتشر کردم ببینندگان هم این حس خوب را گرفته بودند و خیلی لطف داشتند. مشابه این کار را من در سفری به شمال هم انجام دادم، چون می‌دانم بعضی از بچه‌ها توان رفتن به سفر شمال را ندارند برای همین در سفری که با خانواده‌ام به شمال کشورمان رفتیم، با کمک پدر و برادرم چند فیلم ضبط کردم تا در آن فیلم‌ها بچه‌ها با دریا، سقف شیدار، جنگل و مفاهیمی از این دست آشنا شوند که این کار هم برای آن‌ها بسیار دلچسپ بود. از نظر من زنگ هنر نباید فقط به نقاشی کشیدن بچه‌ها خلاصه شود و من برای اینکه بتوانم کلاس متفاوتی داشته باشم سعی کردم هنر را به هنرهای مختلف اختصاص بدهم و نه فقط هنر نقاشی. من به عنوان معلم باید متوجه این موضوع باشم که همه دانش آموزان در یک هنر استعداد ندارند. کسی ممکن است استعداد موسیقی داشته باشد، دیگری استعداد نقاشی، یک نفر هم ممکن است استعداد خوشنویسی داشته باشد. خلاصه باید به این استعدادهای پی برد و در مسیر شکوفا شدن آن‌ها قدم برداشت برای همین یکی از روایت‌های من از مدرسه به زنگ

همین دیوار تا آنجا ببینیم چه کردند و به کدام یک از آرزوهایشان رسیده‌اند. این کاریکی از فعالیت‌های ما در زنگ هنر بود. سالی که آقای باقری مدیر مدرسه روستای کج‌النگ بود در مدرسه اتفاق‌های خوبی افتاد از جمله خریدن میز و نیمکت، رنگ‌آمیزی مدرسه و کارهای خوبی از این دست. اما در بیرون از مدرسه مشکل سرویس‌های بهداشتی را داشتیم؛ بعضی وقت‌ها این سرویس‌ها آب نداشتند یا مشکلات دیگری پیش می‌آمد که مجبور بودیم بچه‌ها را برای استفاده از سرویس بهداشتی به خانه یکی از همسایه‌ها بفرستیم که کار درستی نبود، اما مجبور بودیم چون وضعیت اسفناک سرویس‌های بهداشتی نه‌در‌شان دانش آموزان بود و نه معلم‌ها، برای همین تصمیم گرفتیم در این بخش هم کاری انجام بدهیم. دلم می‌خواست این سرویس‌ها از نو ساخته شوند که همین اتفاق هم افتاد. خلاصه اینکه با کمک دوستم حسین باقری پویش روناک ۳ را راه انداختیم و کمک‌های مردمی را برای نوسازی سرویس‌های بهداشتی مدرسه جمع کردیم. به خاطر دارم وقتی خواستم کار را شروع کنم دوستم آقای اسکندری گفت کار را شروع کن، کار خیر را خدا درست می‌کند و همین‌طور هم شد. خلاصه ما توانستیم با کمک خیران، اداره نوسازی مدارس و اداره خودمان، خانواده و تعدادی از دوستان و با کمک همان فضای مجازی و روایت ماجرا، سرویس‌های بهداشتی مدرسه را نوسازی کنیم. حدود یک سال و نیم که پیچ‌م راه افتاده است توانستم از طریق همین روایت‌ها و ارتباط گرفتن با مردم، حدود ۳۰۰ جلد کتاب برای کتابخانه مدرسه تهیه کنیم؛ یکی از آرزوهای مهم من این است که دانش آموزان ما در همان سنین پایین استعدادیابی شوند. دلم می‌خواهد آموزش و پرورش به طور کامل معنا پیدا کند یعنی در ۱۲ سال تحصیل، دانش آموز بداند چه استعدادی دارد و کجا باید برود. دلم می‌خواهد ۲۰ سال دیگر وقتی به پشت سرم نگاه می‌کنم به این برسم که عمرم با کمک مردم برای دانش آموزان مفید بوده است. وقتی در روستای سلطان آباد معلم بودم به بچه‌ها قول دادم هر سال به دیدن آن‌ها بروم و این کار تا الان تکرار شده است و به بهانه‌های مختلف به آن‌ها سر می‌زنم تا برای من و آن‌ها تجدید خاطره شود، چون فکر می‌کنم معلمی این نیست امسال که سال تحصیلی در فلان روستا تمام شد باید ارتباط من با دانش آموزانم قطع شود.



قدس در گفت‌وگو با یک پژوهشگر اجتماعی بررسی کرد

تغییر ساختار استان‌ها

با مهاجرت از پیرامون به مرکز



۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

۸۲

۸۳

۸۴

۸۵

۸۶

۸۷

۸۸

۸۹

۹۰

۹۱

۹۲

۹۳

۹۴

۹۵

۹۶

۹۷

۹۸

۹۹

۱۰۰

۱۰۱

۱۰۲

۱۰۳

۱۰۴

۱۰۵

۱۰۶

۱۰۷

۱۰۸

۱۰۹

۱۱۰

۱۱۱

۱۱۲

۱۱۳

۱۱۴

۱۱۵

۱۱۶

۱۱۷

۱۱۸

۱۱۹

۱۲۰

۱۲۱

۱۲۲

۱۲۳

۱۲۴

۱۲۵

۱۲۶

۱۲۷

۱۲۸

۱۲۹

۱۳۰

۱۳۱

۱۳۲

۱۳۳

۱۳۴

۱۳۵

۱۳۶

۱۳۷

۱۳۸

۱۳۹

۱۴۰

۱۴۱

۱۴۲

۱۴۳

۱۴۴

۱۴۵

۱۴۶

۱۴۷

۱۴۸

۱۴۹

۱۵۰

۱۵۱

۱۵۲

۱۵۳

۱۵۴

۱۵۵

۱۵۶

۱۵۷

۱۵۸

۱۵۹

۱۶۰

۱۶۱

۱۶۲

۱۶۳

۱۶۴

۱۶۵

۱۶۶

۱۶۷

۱۶۸

۱۶۹

۱۷۰

۱۷۱

۱۷۲

۱۷۳

۱۷۴

۱۷۵

۱۷۶

۱۷۷

۱۷۸

۱۷۹

۱۸۰

۱۸۱

۱۸۲

۱۸۳

۱۸۴

۱۸۵

۱۸۶

۱۸۷

۱۸۸

۱۸۹

۱۹۰

۱۹۱

۱۹۲

۱۹۳

۱۹۴

۱۹۵

۱۹۶

۱۹۷

۱۹۸

۱۹۹

۲۰۰

۲۰۱

۲۰۲

۲۰۳

۲۰۴

۲۰۵

۲۰۶

۲۰۷

۲۰۸

۲۰۹

۲۱۰

۲۱۱

۲۱۲

۲۱۳

۲۱۴

۲۱۵

۲۱۶

۲۱۷

۲۱۸

۲۱۹

۲۲۰

۲۲۱

۲۲۲

۲۲۳

۲۲۴

۲۲۵

۲۲۶

۲۲۷

۲۲۸

۲۲۹

۲۳۰

۲۳۱

۲۳۲

۲۳۳

۲۳۴

۲۳۵

۲۳۶

۲۳۷

۲۳۸

۲۳۹

۲۴۰

۲۴۱

۲۴۲

۲۴۳

۲۴۴

۲۴۵

۲۴۶

۲۴۷

۲۴۸

۲۴۹

۲۵۰

۲۵۱

۲۵۲

۲۵۳

۲۵۴

۲۵۵

۲۵۶

۲۵۷

۲۵۸

۲۵۹

۲۶۰

۲۶۱

۲۶۲

۲۶۳

۲۶۴

۲۶۵

۲۶۶

۲۶۷

۲۶۸

۲۶۹

۲۷۰

۲۷۱

۲۷۲

۲۷۳

۲۷۴

۲۷۵

۲۷۶

۲۷۷

۲۷۸

۲۷۹

۲۸۰

۲۸۱

۲۸۲

۲۸۳

۲۸۴

۲۸۵

۲۸۶

۲۸۷

۲۸۸

۲۸۹

۲۹۰

۲۹۱

۲۹۲

۲۹۳

۲۹۴

۲۹۵

۲۹۶

۲۹۷

۲۹۸

۲۹۹

۳۰۰

۳۰۱

۳۰۲

۳۰۳

۳۰۴

۳۰۵

۳۰۶

۳۰۷

۳۰۸

۳۰۹

۳۱۰

۳۱۱

۳۱۲

۳۱۳

۳۱۴

۳۱۵

۳۱۶